



محمد تقواشعار

پاسارگاد، میراث کوروش کبیر

۷

شاخابه‌ای از رود پلوار از میان آن می‌گذشته است.

پاسارگاد، نشستگاه و جایگاه گردهمایی‌های همگانی و محل تقویم آفتابی رسمی کشور (بنای معروف به زندان سلیمان)، با توجه به نظر "رونالد کنت"، کاملاً ممکن است که منظور از "گنج‌نبشت/ کتابخانه استخر" و سوزانده شدن آن به دست اسکندر که به فراوانی در تاریخ نامه‌های سده‌های میانه دیده می‌شود، همان پاسارگاد باشد و به این ترتیب ممکن است که پاسارگاد، یک فرهنگستان یا همان کتابخانه بزرگ استخر بود. به‌موجب گزارش‌های تاریخ‌نگاران گذشته و نیز برخی شواهد به‌دست آمده، همه بناهای پاسارگاد در میان باغی زیبا و سرسبز و سرشار از آب روان واقع بوده‌اند و امروزه هم در فصل بهارگونه‌های متعدد و متنوعی از گل‌ها و گیاهان صحرایی در این منطقه می‌روید. این باغ‌ها نمونه "پردیس" است که در ایران رونق و رواج چشم‌گیری داشته و واژه‌های "فردوس" و "پارک" از همان واژه ایرانی "پردیس" برگرفته شده‌اند.

آرامگاه کوروش

آرامگاه کوروش، فرازنده‌ترین و در عین حال سالم‌ترین بنای پاسارگاد است. این سازه باشکوه طرحی بسیار با وقار، گیرا، متوازن و متناسب را عرضه می‌کند. طرح این گونه آرامگاه برخلاف نظر برخی محققان، در ایران ناشناخته نبوده است. نمونه‌های دیگر چنین بام‌هایی در سراسر ایران است که حتی در گورخانه‌های پیش از تاریخی نیز بدست آمده است. نمونه‌ای از این گونه معماری، بنای معروف به "گور دختر" در جنوب خاوری کازرون و در نزدیکی "سرمشهد" است. نمونه دیگری هم در نزدیکی "کهنک قم" بدست آمده که متأسفانه این سازه را در همان زمان پیدایش شخص یا اشخاصی ناشناس نابود کرده‌اند.

ویژگی‌های ظاهری آرامگاه

آرامگاه کوروش از نوعی سنگ ماسه‌ای که به مرمر سفید شباهت دارد، ساخته شده و در ساخت آن از هیچ گونه مواد و مصالح دیگری استفاده نشده است. سنگ‌ها که از معدنی در شمال خاوری سیوند به‌دست آمده، در قطعات بسیار بزرگ که گاه وزن هر کدام آن‌ها به ده‌ها تن می‌رسد، به‌شیوه خشکه‌چین روی هم چیده و بنا شده است و گاه برای اتصال محکم‌تر آن‌ها از قطعات آهنی دم‌چلچله‌ای استفاده شده است. این قطعات آهنی در طول زمان از چشم سارقان پنهان نمانده است. با این‌همه و علی‌رغم گذشت بیش از ۲۵۰۰ سال از عمر ساختمان و پشت

هنگامی که در ۷۵ کیلومتری تخت‌جمشید، راه اصلی اصفهان به شیراز را به‌سوی پاسارگاد ترک می‌کنیم و از میان درختان بلند و سرسبزی که بر این راه خاطره‌انگیز سایه افکنده‌اند، پیش می‌رویم، به‌نظر می‌آید که در اعماق تاریخ دور و دراز و پر فراز و نشیب و رنگارنگ این سرزمین کهن فرو می‌رویم.

دیرینگی پاسارگاد

منطقه‌ای که امروزه با نام "دشت‌مرغاب" می‌شناسیم و "پاسارگاد" هم در آن قرار دارد، از اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد تا اوایل هزاره دوم دارای سکونت‌گاه‌ها و جمعیت فراوانی بوده و آثاری نیز در محوطه‌های پیش از تاریخ بدست آمده است. در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد شواهد زیستی پراکنده‌ای در آن دیده شده است. اما در زمینه جزئیات دیرینگی محوطه هخامنشی پاسارگاد، تفاوت نظرهایی وجود دارد که هر کدام از نظرها را نیز دلایل قابل قبولی پشتیبانی می‌کند. کهن‌ترین اثر پاسارگاد، "تل‌تخت" یا همان "تخت‌مادرسلیمان" است که یکی از کاخ‌هایی است که بر بلندی ساخته شده و هنوز هم علیرغم پژوهش‌های فراوان، برخی تصور می‌کنند که قلعه بوده است. "رومن گیرشمن" بر این اعتقاد بود، که این بنا در زمان کمبوجیه اول، پدر کوروش بزرگ ساخته شده است، اما فرضیه "دیوید استروناخ" بیشتر پذیرفته شده که بیان کرد، زمان ساخت آن بین سال‌های ۵۴۶ تا ۵۳۰ پیش از میلاد یعنی در شانزده سال پایانی پادشاهی کوروش بزرگ است.

بخش‌های دیگر پاسارگاد، به‌جز بنای آرامگاه که ظاهراً در زمان پادشاهی کوروش به پایان رسیده، از بناهایی هستند که ساخت آن‌ها در زمان کوروش آغاز و در زمان پادشاهان بعدی هخامنشی، از جمله داریوش اول به‌پایان رسیده‌اند.

نام پاسارگاد

نام پاسارگاد شکل یونانی شده واژه هخامنشی "باتراکاتاش" است که بارها در الواح ایلامی تخت‌جمشید به‌کار رفته است؛ اما از گونه فارسی باستان آن آگاهی درستی در دست نیست. از سوی دیگر هرودوت واژه پاسارگاد را نه برای یک مکان، بلکه برای قبیله‌ای به‌همین نام به‌کار برده است.

ویژگی‌های پاسارگاد

برخلاف تخت‌جمشید که همه بناها بر روی یک سکوی از پیش آماده شده متمرکز شده‌اند، در این‌جا بناها در محوطه وسیع ۶ کیلومتر مربعی جای گرفته‌اند و در گذشته

سرگازدن زمین لرزه‌ها و حادثه‌های دیگر طبیعی و انسانی، بنای آرامگاه کوروش هم‌چنان سالم و پایدار و استوار بر جای مانده و نشانه‌ای از توانمندی‌ها و شایستگی‌های معماران، دانشمندان و صنعت‌گران ایرانی است.

اتاق آرامگاه بر روی شش سکوی مطبق سنگی ساخته شده و طبقه هفتم آن را تشکیل می‌دهد. بلندای کل بنا بالغ بر ۱۱ متر می‌شود. تاق به صورت شیروانی و شیب‌دار، بام بنا را می‌پوشاند. دیوارهای اتاق بسیار ضخیم ساخته شده‌اند، به طوری که پس از ورود به اتاق در می‌یابیم اندازه‌های داخلی آن کمی بیشتر از ۲ متر در ۳ متر است. جای پاشنه درها نشان می‌دهد که این اتاق با دو در سنگی بزرگ که بر روی همدیگر قرار می‌گرفته‌اند، بسته می‌شده است. چنین درهایی که به سختی باز و بسته می‌شوند، معمولاً برای بناهایی به کار می‌رفته است که قرار نبوده رفت و آمدهای زیادی به‌درون آن انجام پذیرد.

این درها نزدیک به ۱۳۰ سانتی‌متر بلندی داشته و ورود به اتاق با خم شدن امکان‌پذیر می‌شده است. داخل اتاق بسیار ساده و کف و سقف آن هر کدام از دو قطعه سنگ بزرگ و ضخیم پوشیده شده است. در نتیجه وجود این سقف مسطح بر بالای اتاق و در زیر شیروانی، درمی‌یابیم که می‌بایست اتاق دیگری در میان این دو سقف وجود داشته باشد. این اتاق فوقانی کوچک هیچ راهی به بیرون ندارد و پیدایی آن در سال ۱۳۳۸ خورشیدی با کوشش شادروان استاد "علی سامی"، رییس موسسه باستان‌شناسی تخت‌جمشید که پژوهش‌های تخت‌جمشید و پاسارگاد، دین زیادی به وی دارد و هرگز کسی نتوانست جای خالی او را پر کند، انجام پذیرفت. به نظر او، این اتاق سنگی جایگاه اصلی دو تابوت سنگی است که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. یکی از این تابوت‌ها چند سانتی‌متر کوچک‌تر از دیگری است. در هیچ کدام از این دو تابوت چیزی یافت نشده است.

هر چند که به‌نظر می‌رسد کنده‌کاری‌های تابوت ماندنی که در درون تخته‌سنگ‌های بام زیرین و داخلی بنا انجام شده است، شیوه‌ای برای سبک کردن آن بوده باشد، اما بعید نیست با توجه به اندازه‌های آنان که برابر با قد و هیكل آدمی است، آن‌گونه که استاد سامی بیان داشته، تابوت‌های کوروش و «کاساندان» بانوی او بوده باشند.

در اطراف و درون آرامگاه هیچ‌گونه آذین و نگاره‌ای وجود ندارد و تنها در نمای سردر سه گوش زیر شیروانی و بالای در ورودی، نقش بسیار کم‌رنگی از نگاره یک گل دوازده گلبرگی متداول هخامنشیان نگاشته شده است. علاوه بر این هیچ‌گونه کتیبه و نبشته‌ای نیز در آرامگاه یافت نشده است. اما "آریان" مورخ یونانی گزارش کرده که در آرامگاه کوروش کتیبه‌ای "به خط ایرانی" به این مضمون دیده شده است: "ای مرد! من کوروش هستم، پسر کمبوجیه، من شاهنشاهی پارسیان را بنیاد گذاشتم. من بر آسیا فرمان راندم، اینک بر من رشک مبر". "آریان" و هم‌چنین "استرابو"، مورخ دیگر یونانی به نقل از "آریستوبولوس" وضعیت داخل مقبره را نیز به اختصار توصیف کرده‌اند. بر پایه گفتار آنان در اتاق آرامگاه یک تخت زرین با تابوتی زرین و میز و ساغرهایی وجود داشته است.

البته در درون آرامگاه و بر سنگ‌هایی در پیرامون آن، کتیبه‌هایی مذهبی و نیز طرحی از یک محراب تراشیده شده که به‌دوره حکومت اتابکان فارس مربوط می‌شود. در آن زمان از این مکان به‌عنوان مسجد استفاده می‌شده است. در دوره‌ای نیز که تا همین اواخر ادامه داشته است، این بنا را به‌عنوان "قبرمادرسلیمان" می‌شناخته‌اند که زیارتگاه ویژه زنان بوده و مردان حق داخل شدن به آن را نداشته‌اند.

امروزه در پاسارگاد تنها یک کتیبه کامل که در چند جای مختلف بر دیوار کاخ‌ها نوشته شده است، دیده می‌شود. این کتیبه‌ها در دوسطر به‌زبان و خط فارسی باستان، یک‌سطر ترجمه عیلامی و یک سطر ترجمه اکدی (بابلی نو) نگاشته شده‌اند: "من کوروش، شاه هخامنشی".

بنای آرامگاه و همه بازمانده‌های کوروش هخامنشی، نه‌تنها یادمان او، بلکه یادگار پر ارج دانش، فن‌آوری و اندیشه ایرانی است.

ثبت جهانی

مجموعه آثار باستانی پاسارگاد به‌جا مانده از دوران هخامنشی است، پنجمین مجموعه ایرانی به‌شمار می‌آید که تیرماه سال ۱۳۸۳ از سوی یونسکو در فهرست میراث جهانی قرار گرفت.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران